

# طبقه کارگر طبقه‌ای از مهاجران است

The Working Class Is a Class of Immigrants



ترجمه ای از جریان کمونیست بین المللی

## صدای انترناسیونالیستی

## پیشگفتار صدای انترناسیونالیستی

بار دیگر موج جدیدی از بیگانه هراسی و نژادپرستی از ایران تا آلمان، از بریتانیا تا آمریکا و... به راه افتاده است. بخشی از کمپین رقابتی دونالد ترامپ برای ریاست جمهوری ۲۰۲۴ اخراج ۲۰ میلیون مهاجر از آمریکا است که اعلام کرده با اخراج یک میلیون مهاجر شروع خواهد کرد.<sup>۱</sup> فرمانده کل انتظامی بورژوازی اسلامی سردار رادان اعلام کرد: ۲ میلیون اتباع خارجی را تا پایان سال اخراج می‌کنیم. این لیست را میتوان طولانی کرد.

اخیرا در بریتانیا به دنبال قتل سه دختر بچه موجی از خارجی ستیزی براه افتاد، راست‌گرایان افراطی و مهاجر ستیز شهرهای لندن، لیورپول، بریستول، هال و بلفاست و غیره را به میدان خشونت خود تبدیل کرده بودند. در فرانسه از هر ده نفر سیاهپوست، نه نفر آنان از تبعیض نژادی رنج می‌برد. نژادپرستی در آلمان بیداد می‌کند ولی خارجی ستیزی در ایران شکل زمخت‌تری از کشورهای اروپایی به خود گرفته است. اخیرا اعلانی بر روی شیشه یک نانوائی نصب شده که در آن تاکید شده فروش نان به اتباع افغانی به دستور دادستانی ممنوع میباشد و در صورت تخلف با واحدهای متخلف برخورد خواهد شد.

واقعیت این است که بیگانه ستیزی بخشی از جامعه طبقاتی است که با شکل‌گیری دولت‌های ملی و ملیت که محصول رشد سرمایه‌داری است و افتخار ملی را دنبال دارد، شکل بخصوصی بخود گرفته است. در دوران هائی که سرمایه نیاز به نیروی کار ارزان دارد سعی در تعدیل این مسئله می‌کند ولی در دوران هائی که سرمایه در بحران دست و پا می‌زند، سعی می‌کند بخشی از دلایل

---

<sup>۱</sup> ای بی سی نیوز

بحران را گردن کارگران خارجی تبار بیندازد و در چنین زمان‌هائی است که خودی و غیر خودی بیشتر نمایان می‌شود. بحران همه جانبه جمهوری ننگین اسلامی عرصه زندگی را بر طبقه کارگر و قشرهای تحتانی جامعه تنگ تر کرده است. بورژوازی کثیف اسلامی باید کسانی را پیدا کند تا مشکلات را گردن آنها بیندازد.

ما قبل از این که هویت کاذب قومی، مذهبی، نژادی و غیره داشته باشیم، هویت طبقاتی داریم و فروشنده نیروی کار هستیم و به طبقه استثمار شده تعلق داریم. در راستای استفاده از تجربیات دیگر انترناسیونالیست‌ها، مقاله‌ای را از رفقای جریان کمونیست بین‌المللی ترجمه کرده‌ایم که امیدواریم در خدمت شفافیت فضای سیاسی قرار گیرد.

صدای انترناسیونالیستی

شهریور ۱۴۰۳

حمله به مسلمانان فروکش نمی‌کند. سیاستمداران می‌گویند که حجاب تهدیدی است. حزب ملی بریتانیا (BNP) می‌گوید اسلام شر است و احتمالا پاپ هم با آن موافق است. گفته می‌شود که «جوامع» مسلمان بستر مناسبی برای تروریسم می‌باشد، آنها آماده هستند تا جنایات بیشتری همچون یازده سپتامبر و هفت ژوئیه [بمب‌گذاری‌های لندن] را تکرار کنند. مسلمانان متهم می‌شوند که در جامعه بریتانیا ادغام نمی‌شوند و از فرهنگ بریتانیا استقبال نمی‌کنند. وزیران می‌گویند که می‌بایست جلوی آن‌ها را گرفت و بیشتر از دیگران آنها را تحت نظر داشت.

مسلمانان تنها اقلیتی نیستند که به عنوان «یک حضور بیگانه» مورد تهاجم قرار می‌گیرند. از سال ۲۰۰۴ بیش از نیم میلیون مهاجر از شرق اروپا به بریتانیا آمده است. مطبوعات آن‌ها را به تصاحب شغل‌ها، مزایا و تضعیف دستمزدها متهم می‌کنند. دولت در حال حاضر آماده سخنگیری بیشتر در مورد مهاجرت‌های آینده از رومانی و بلغارستان است. داستان‌های هولناکی در مورد تعداد مهاجران غیر قانونی در کشور وجود دارد. مطبوعات ناله می‌کنند که تعداد کافی از پناهجویان بازگردانده نمی‌شوند. زمانی تنها سیاستمداران دست راستی مانند تاجر بودند که می‌خواستند در باره «غرق شدن بریتانیا در فرهنگ‌های بیگانه» صحبت کنند، و سپس داوید بلانکت [از حزب کارگر] گفت که بچه‌های متقاضیان پناهندگی به مدارس «هجوم» می‌برند و باید به طور جداگانه آموزش داده شوند، بیان چنین چیزهایی در حال حاضر عادی شده است ولی زمانی این صحبت‌ها غیر قابل قبول و یا حتی نژادپرستانه تلقی می‌شد.

این فقط به بریتانیا محدود نیست. در فرانسه هر سال تعداد بیشتری از مهاجران توسط دولت اخراج می‌شوند و بطور مداوم فشار بر روی مسلمانان که در جامعه فرانسوی ادغام شوند افزایش می‌یابد. در انتخابات اخیر هلند تمرکز بر روی مهاجرت بود که انتخابات سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ را هم تحت سلطه گرفته بودند و خواستار غیر قانونی کردن برقع [حجابی که حتی چهره را نیز می‌پوشاند] بودند! در

ایالات متحده، با وجود این که طرح قانونی که قصد اخراج ۱۲ میلیون را داشت، تصویب نشد، اما هنوز هم طرح‌هایی برای گسترش دیوار در مرز مکزیک تا ۲۰۰۰ مایل وجود دارد که یک ارتش شامل ۱۸۰۰۰ نگهبان مرزی را در بر می‌گیرد.

در همه جا شما می‌توانید صحبت‌هایی در باره «برخورد تمدن‌ها» را بشنوید که کشورها مرزهای خود را می‌بندند و اقلیت‌ها، چه مسلمانان، پناهجویان یا مهاجران اهریمن جلوه داده می‌شوند.

### **سرمایه داری کارگران را «آزاد می‌کند» تا نیروی کار خود را بفروشند**

برآوردهای کنونی نشان می‌دهد که بیش از ۲۰۰ میلیون نفر در خارج از آن کشوری که بدنیا آمده اند زندگی می‌کنند. بیش از چهار و نیم میلیون دارنده گذرنامه بریتانیا رسماً در خارج از کشور زندگی می‌کنند، به عنوان یک نمونه، رقم جهانی احتمالاً خیلی کم است. مردم به دلایل مختلفی از جمله: به دلیل قحطی و خشکسالی، جنگ، بیماری، فقر، و آزار و اذیت نقل جابجا می‌شوند. اما هر کجا که بروی نمی‌توانی از بربریت سرمایه داری فرار کنی.

تغییر مکان جمعیت از اهمیت ویژه‌ای در سرمایه داری برخوردار است. «سرمایه داری الزاما موجب جابجایی جمعیت می‌شود، چیزی که توسط سیستم‌های قبلی از اقتصاد اجتماعی ضروری نبود و در مقیاسی این چنین بزرگ غیر ممکن بود.» (لنین توسعه سرمایه داری در روسیه "رسالت" سرمایه داری)

در اوایل تاریخ سرمایه داری، در دوره «انباشت بدوی» آن، اولین کارگران مزدی روابط خود را با اربابان فئودال قطع کردند و "توده‌های عظیم انسانی قهرا و دفعتاً از وسایل زندگی خود گسیخته و

بصورت پرولترهای آزاد و «فارغ از تعلق» به بازار کار پرتاب شدند. مبنای کل این پروسه را سلب مالکیت زمین از تولیدکننده کشاورزی، یعنی دهقان، تشکیل می‌دهد." (مارکس، سرمایه جلد اول، فصل ۲۶) مارکس مثالی از زمین‌داران بزرگ انگلیسی را ارائه می‌دهد که مستاجرین خود را اخراج می‌کردند و این "مستاجرین نیز دهقانان کوچکتر و غیره را اخراج می‌کردند و در نتیجه، اولاً توده‌ای از نیروی کار زنده ابتدا بدرون بازار کار پرتاب شدند، توده‌ای که از روابط قدیمی اربابی، اسارت و بردگی فارغ و آزاد بودند و ثانیاً فارغ از هر گونه وسایل و لوازم و دارایی و از هر شکل عینی و مادی آزاد بودند: فارغ از هر نوع مالکیت: وابسته به فروش نیروی کار خود و یا به گدایی، ولگردی و سرقت به عنوان تنها منبع درآمد خود." (گروندریسه)

در این فرایند ما مهاجرت کارگران از مناطق کشاورزی به شهرها را می‌بینیم. حتی این روند برای توسعه سرمایه‌داری مهم و ضروری بود، این مهاجرت عظیم از روستاها که دهقانان را از زمین جدا کرد باعث روانه شدن مردم به شهرها شد جایی که امید به زندگی کمتر، بیماری گسترده‌تر، استثمار شدیدتر و شرایط زندگی بدتر بود.

برای سرمایه داری در قرن نوزدهم مهاجرت یک عامل بسیار مهمی در توسعه آن بود. بین سالهای ۱۸۴۸ و ۱۹۱۴ حدود ۵۰ میلیون کارگر اروپا را ترک کردند، ۲۰ میلیون نفر بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۱۴ عمدتاً به مقصد آمریکا [مهاجرت کردند]. در ابتدا، تا سال ۱۸۹۰ بیشتر مهاجرت‌ها از کشورهای صنعتی و توسعه یافته مانند بریتانیا، آلمان، هلند و کشورهای اسکاندیناوی بود. بعدها بیشتر مهاجرت‌ها از کشورهای در حال توسعه از مناطق جنوبی و شرقی اروپا بود که با بحران کشاورزی مواجه شده بودند: کارگرانی با مهارت کمتر که هر گونه کاری را با دستمزد پایین‌تر را می‌پذیرفتند.

اما در حالی که بیشتر جابجائی جمعیت در قرن نوزدهم باعث توسعه سرمایه‌داری گشت، مهاجرت‌های پس از آن اساساً توسط عوامل منفی مانند آزار و اذیت، به خاطر فرار از جنگ، قحطی و فقر بوده است.

درست است که در دوره پس از جنگ جهانی دوم به منظور استفاده در روند بازسازی کشورهای اروپای غربی نیاز به نیروی کار از مستعمرات سابق داشتند، اما تا پایان دهه ۱۹۶۰ این دولت‌ها شروع به یکسری اقدامات محدود کننده کرده بودند.

بسیاری از سخنگویان بورژوازی هنوز هم می‌گویند که موج دیگری از مهاجرت به اروپای غربی برای پر کردن شکاف‌های ناشی از کاهش جمعیت و افزایش سن مورد نیاز است. اما در حال حاضر کمپین غالب در اهریمنی جلوه دادن مهاجران است. در چارچوب جنگ، بحران اقتصادی و مشکلات اجتماعی، نظام سرمایه‌داری مقصر شناخته نمی‌شود بلکه آن مهاجرانی که کشور را «غرق» کرده‌اند و از جمله آنان که در جامعه ادغام نشده‌اند، مقصر شناخته می‌شوند.

### گزینه‌های کاذب از سوی چپ

در جناح چپ، حزب کارگر و در گروه‌های مختلف چپ‌گرای دیگر، همیشه نارضایتی دائمی از تعصب و قربانی کردن اقلیت‌ها توسط دولت و رسانه‌ها وجود دارد. با این حال آنها هیچ چیزی جز انحراف بیشتر برای ارائه ندارند.

به عنوان مثال، فریب چند فرهنگ‌گرایی به همان اندازه‌ای که کمپین‌های راست‌گرا درباره حملات بیگانگان ارائه می‌دهند، تفرقه‌افکنانه است. ایده اساسی از چند فرهنگی بودن این است که هر کسی دارای یک هویت اساسی است، بر این مبنای هویت قومی یا مذهبی قبل از هر چیز باید مورد توجه قرار گیرد. شما ممکن است یک کارگر یا رئیس یک شرکت چند ملیتی باشید اما ایدئولوژی

چند فرهنگ‌گرایی اصرار دارد که شما در وهله اول یک مسلمان، هندو یا مسیحی هستید، یا قبل از هر چیز ایرلندی، سومالی و یا پاکستانی هستید.

این ایده فقط به لیبرال‌های ضد نژادپرستی محدود نمی‌شود، اما در بین گروه‌های تروتسکیستی مانند حزب کارگران سوسیالیست (بریتانیا) نیز یافت می‌شود. آنها عقیده در مورد حجاب را مضحک می‌کنند، به عنوان مثال، [معتقد هستند که حجاب] ظالمانه است با این استدلال که [حجاب] بیانی از هویت علیه افزایش اسلام‌هراسی است. اساساً سیاست هویت چپ با ایده‌های نژادپرستانه راست در اهداف خود توافق دارد تا طبقه کارگر را به مجموعه‌ای از محله‌های مذهبی و قومی‌نشین تقسیم کند. بله، این درست است که تفاوت‌های چند فرهنگی در بین مردمان اکثر ممالک وجود دارد. در لندن به عنوان مثال بیش از ۳۰۰ زبان مختلف صحبت می‌شود. اما جنبش کارگری در بهترین حالت خود همواره قادر به متحد کردن کارگران صرف نظر از زبان و یا زمینه‌های ملی بوده است.

جنبه دیگری از پاسخ به مبارزات جاری، ضد نژادپرستی است، به ویژه علیه گروه‌هایی مانند حزب ملی بریتانیا متمرکز شده است. گفته می‌شود که این افراد فاشیست با ایدئولوژی افراطی هستند و همه مردم شریف باید در مقابل آنها متحد شوند تا اطمینان حاصل شود که آنها از قدرت باز نگهداشته می‌شوند. [این نگرش] این واقعیت را نادیده می‌گیرد که همه دولت‌های سرمایه‌داری کاملاً قادر به تحمیل قوانین سرکوبگر، محدود کردن مهاجرت و شلاق زدن عدم تحمل نژادپرستی، در چارچوب دموکراسی هستند.

تنوع عجیب و جالبی از ضد نژادپرستی نیز وجود دارد که آن را غیر بریتانیایی می‌بیند. ترور فیلیپس رئیس کمیسیون برای برابری نژادی، پس از مورد اخیر که شامل رهبر حزب ملی بریتانیا می‌شد



گفت: "اظهار نظر ناپیک گریفین قانونی بود، اما محترمانه نبود. او بریتانیایی است، بله، اما رفتار او بیگانه است." این مبلغ اعتدال‌گرایی می‌پندارد که مشکلات پیش روی جامعه از افراط‌گرایان «بیگانه» می‌آید، از فاشیست‌ها و بنیادگرایان اسلامی. اگر همه با نمونه دولت حزب کارگر همراه شوند و از «توانمندسازی» صحبت کنند در حالی که سرکوب را تقویت می‌کنند، مشکلات حل می‌شود.

اما خطرناک‌ترین ایده از سوی چپ این است که حملات لفظی و فیزیکی بر علیه اقلیت را می‌توان از طریق تغییر در قانون حل کرد. پس از مرگ صیادان چینی در خلیج مورکامبی، به عنوان مثال، حزب کارگران سوسیالیست اظهار داشت که ظالمانه است که هیچ کنترلی از روسای باندها وجود ندارد. در واقع مدت زمان طولانی نکشید تا دولت کارگر چنین مقرراتی را مطرح کرد و دیدیم که چقدر شرایط برای کسانی که در حاشیه زندگی می‌کنند تغییر کرده است. یا به عنوان نمونه‌ای دیگر، ایده اینکه چگونه قوانین مهاجرت می‌تواند لغو شود. مطمئن باشید که اگر قوانین تغییر کنند، به این دلیل است که به نفع طبقه حاکم سرمایه‌دار است. در دهه ۱۹۵۰ کارگران از خارج از کشور برای خدمات درمانی عمومی و صنایع حمل و نقل بدون موانع قانونی آورده شدند. پس از آن بین حزب محافظه کار و حزب کارگر در مورد قوانین محدود کننده توافق بوده است.

در فرانسه نیز پیشنهاداتی مطرح شده که دولت چگونه می‌تواند تغییر و تحولانی بوجود بیاورد تا احتمال شورش در حومه پاریس کاهش پیدا کند. پیشنهاد شده است که پلیس باید آموزش بهتری ببیند و به ویژه در صفوف خود با نژادپرستی برخورد نماید. همچنین پیشنهاد شده است که تغییراتی در نحوه تخصیص مسکن بخش عمومی داده شود.

در هر جایی که مرزها بسته می‌شوند و تعصب بیشتر و بیشتر قابل احترام می‌شود، یک جایگزین چپ‌گرا وجود دارد. اما ایده چپ در مورد اینکه دولت بیطرف است در تناقض با تجربه طبقه کارگر قرار دارد. در جامعه سرمایه داری دولت از منافع طبقه حاکم سرمایه داری دفاع می‌کند.

طبقه کارگر طبقه‌ای از مهاجران بوده است بعد از آن که سرف‌ها [زارع بی زمین و فقیر] و رعیت‌ها از زمین‌کننده شدند. طبقه‌ای است که از همبستگی مشخص شده است که هیچ ربطی به پیروی از عواطف و احساسات ندارد بلکه ناشی از تجربه مشترکی است که از استثمارشان توسط نظام سرمایه‌داری که کل جهان را تحت پوشش خود دارد. در مقابل تلاش سرمایه‌داری برای تقسیم ما به بخش‌های مذهبی و قومی، لازم و ضروری است که به عنوان یک طبقه مبارزه کنیم، کسب آگاهی از منافع طبقاتی خودمان، از هویت طبقاتی‌مان، چشم‌انداز توسعه مبارزه را تحقق بخشیم. در مقابل نژادپرستان از راست و رفرمیسم و هویت سیاسی از سوی چپ، ما اصرار می‌کنیم که کارگران وطن‌ندارند و کارگران همه کشورها باید در دفاع از منافع خود متحد شوند.

**انقلاب جهانی** [نشریه واحد بریتانیای جریان کمونیست بین‌المللی]

۱۱ آذر ۱۳۸۵

آدرسهای جریان کمونیست بین‌المللی:

وبسایت:

[www.internationalism.org](http://www.internationalism.org)

ایمیل:

[international@internationalism.org](mailto:international@internationalism.org)

آدرسهای صدای انترناسیونالیستی:

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

[contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

وبسایت:

[www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

ایکس (توییتز سابق):

[https://twitter.com/int\\_voice](https://twitter.com/int_voice)